



مروری بر مهمترین اعتراضات کارگران معادن

در ایران

(فاصله سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹)



مروری بر کانون های اعتراضی طبقه کارگر در ایران
معلمان
خدمات
معادن
صنعت

توضیح

از معادن بعنوان بزرگترین مرکز اشتغال ایران در چند دهه آتی نام برده میشود. بسیاری، و از جمله شواهد موجود در گزارش پیش روی شما گواه آنست که:

اولاً، خبری از "صنعت" و "تکنیک" در کار نیست، هر چه هست بکارگیری وحشیانه نیروی کار انسانی در قعر لایه های زمین است که در رقابت با موشهای کور در لابلای صخره ها مجبور به تلاش معاش سرگردان هستند.

ثانیاً، آنچه از آن بعنوان "اشتغال" نام برده میشود چیزی بیشتر از گله ای از کارفرمای خصوصی و وزیر کار و ادارات متبوعه، چیزی بیشتر از اوباشان چماقدار و شلاق چی و مافیای دفاتر حسابداری؛ چیزی بیشتر از گرو گرفتن نفس بقاء انسان کارکن در چنبره منحط ترین روشها نیست.

بخش مهمی از باصطلاح "صنعت معادن ایران" شامل دایر نگاه داشتن جنایتکارانه معادن متروکه با تکیه به نیروی کار ارزان میباشد. "شکوفایی" این صنعت فقط و فقط در گرو ناپدید شدن نظارت امنیتی و پرسنلی از طرف وزارت کار است. دولت حسن روحانی در آخرین مصوبه خود مجوز تعداد شش هزار معدن متروکه را به حراج گذاشت. همه آفتابه لگن خودستایانه مملو از سرشت پست و فرومایگی بورژوازی ایران در "صنعت معادن" در اولین بارقه های استانداردهای حقوق کارگری دود میشود و هوا میرود. تعطیلی فوری "دکان سودجویی معادن" در ایران باید امر فوری طبقه کارگر در ایران باشد. این راهی است که با خواست بیمه بیکاری شایسته هموار میشود.

متن این جزوه، انتشار کامل بخشی از گزارش بررسی "کانونهای بحران کارگری" در دهه 1390 توسط صفحه اینترنتی "داوطلب" است. "داوطلب" در صفحه اینترنتی مربوطه، خود را "یک پایگاه خبری و تحلیلی درباره حقوق و مسایل صنفی کارگران" معرفی میکند که در عین حال سعی دارد "حق سازماندهی، آزادی تاسیس و فعالیت انجمن ها، حق آزادی تجمع و گردهمایی، حق چانه زنی و گفتگوهای دسته جمعی، منع تبعیض در اشتغال، منع کار کودک و... را به مثابه حقوق بنیادین کار، در جامعه کارگری ترویج نماید." (www.davtallab.org)

گزارش معادن پرده از تله مرگ معادن که هزاران کارگر را با سوانح و با سموم کشنده و با فقر و زیر پا گذاشتن حقوق اولیه قربانی میگیرد برداشته برمیدارد. اما در عین حال گویای جنب و

جوش اعتراضی و پتانسیل طبقاتی کارگری در این بخش است. معادن در نقشه تلاطم‌های طبقاتی جامعه ایران جای برجسته‌ای را بخود اختصاص میدهد. شواهد ارائه شده در این گزارش و خبرهای مربوط به اعتصاب بزرگ آهن بافق، چادرملو، ذغال البرز شرقی، طلای آق‌دره و مس کرمان گواه این ظرفیت هستند.

جزوه حاضر انتشار مجدد و کامل گزارش "داوطلب" است.

علیه بیکاری

اکتبر 2021

مروری بر مهمترین اعتراضات کارگران معادن در ایران

فهرست

- 4.....مقدمه
- 5.....یک نگاه کلی
- 6.....مهمترین اعتراضات کارگران معادن زغال سنگ
- 8.....اعتراضات معادن سنگ آهن
اعتراضات کارگران معدن چادرملو یزد
(پیمانکاری آسفالت طوس، پیمانکاری بهاوند باراد)
- 10.....اعتراضات کارگری در معدن سنگ آهن بافق
- 12.....اعتراضات کارگران فصلی معدن طلای آق‌دره تکاب
- 14.....اعتراضات کارگران معادن ذغال سنگ البرز شرقی در شاهرود
- 15.....اعتراضات کارگری در معدن مس سرچشمه
- 16.....اعتراضات کارگران معدن سنگرود (رودبار)
- 19.....مهمترین اعتراضات کارگری در بخش معدن در فاصله سالهای ۹۳ تا ۹۹

مقدمه

سختی کار در معدن بر هیچ‌کس پوشیده نیست. اما درجه سختی برای کارگران معدن وقتی بالاتر می‌رود که در ازای ساعتها کار مداوم در تونل‌های ناایمن و پرحادثه، نه قرارداد کاری با آنها بسته می‌شود و نه پرداخت مطالبات حقوقی به موقع انجام می‌شود. در حالی که بخش معدن در سالهای اخیر، بیشتر در حوزه حوادث کار با کشته شدن صدها کارگر خیرساز بوده اما کارگران معادن و پیمانکاریهای فعال در آنها، بارها با طرح مطالباتی چون لغو قراردادهای موقت، افزایش دستمزد، پرداخت بیمه، پاداش و مزایای سختی کار، اجرای طرح طبقه بندی و افزایش سطح ایمنی و بهداشت کار، به شرایط حاکم بر این بخش اعتراض کرده‌اند. پرشورترین این اعتراضات کارگری را می‌توان در اعتراضات اخیر کارگران زغال سنگ کرمان دید که نشان دهنده افزایش/اعتراضات کارگری در این بخش است.

جامعه کارگری شاغل در معادن ایران در حالی روزهای پر التهاب خود را سپری می‌کند که هدف گذاری وزارت صنعت، افزایش واگذاری ها در بخش معادن و صنایع معدنی به بخش خصوصی است. بر اساس برنامه تدوین شده در بخش معدن، وزارت صنعت در حوزه بهره برداری و استخراج ۲۵ تا ۳۰ درصد افزایش را مدنظر قرار داده است. آن هم در شرایطی که خبری از جبران عقب ماندگی دستمزد از سبد معیشت و تامین امنیت شغلی کارگران با قراردادهای قانونی نیست و شیوع کووید ۱۹ شرایط محیط‌های کار را نامناسب و ناامن تر از همیشه کرده است.

ما در گزارش پیش رو به گستردگی، زمینه و علت بروز اعتراضات کارگران معدن و ترسیم نقشه کانونهای بحران کارگری در بخش معدن پرداخته‌ایم. اعتراضاتی که عمدتاً در پی عواقب پیمان‌سپاری‌ها و افزایش واگذاری معادن به بخش خصوصی بروز کرده و در غیاب تشکل‌های کارگری مستقل، بر شدت اعتراضات کارگری در این بخش افزوده است.

یک نگاه کلی

براساس جدول آماری که وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال ۹۷ منتشر کرد، شمار معادن فعال ایران را افزون بر سه هزار و ۳۰۰ معدن اعلام شده است. این در حالی بود که پیش از این تعداد رسمی اعلام شده از سوی همین منبع، به حدود ۶ هزار معدن فعال می‌رسید. بدون در نظر گرفتن اینکه چه عواملی منجر به رکود و تعطیلی کار در این معادن شده، از سه هزار معدن فعال در کشور، استان‌های کرمان، خراسان رضوی و یزد به ترتیب با ۳۹۶، ۳۷۰ و ۲۸۸ معدن بالاترین تعداد معادن فعال را به خود اختصاص داده‌اند. استان‌های کهگیلویه و بویر احمد، گیلان و بوشهر به ترتیب با هفت، هفت و هشت معدن، کمترین سهم معادن فعال را دارند و استان‌های ایلام و گلستان به همراه منطقه ویژه اقتصادی ماکو، هر یک ۱۱ معدن فعال دارند. معادن برتر در بخش سنگ تزئینی نیز در ۶ استان آذربایجان شرقی و غربی، کرمان، یزد، اصفهان، مرکزی و لرستان قرار دارد. براساس برآورد‌های وزارت صنعت، سهم بخش معدن از تولید ناخالص داخلی در چارچوب ششمین برنامه توسعه کشور از ۱.۱ درصد کنونی به ۱.۵ درصد ارتقا می‌یابد و با احتساب سهم پنج درصدی صنایع معدنی، برآوردها بیشتر می‌شود.

بر مبنای گزارش‌های منتشر شده؛ سیاست وزارت صنعت، معدن و تجارت کاهش ریسک و مخاطره سرمایه‌گذاری برای مردم (بخش خصوصی) در بخش معدن است و بر روی رونق بخشیدن به فعالیت معدنی تمرکز دارد. تداوم این سیاستها که در سالهای اخیر بیشتر از هر زمانی دیگری دنبال شده، با توجه به کارنامه دولت در واگذاری کارها به بخش به اصطلاح خصوصی و به گفته ناظران «خصوصیتی»، باعث ایجاد رانت و فساد اقتصادی و از سوی دیگر نگرانی و تهدید امنیت شغلی کارگران شاغل در بخش معدن شده است.

مرکز آمار ایران در سال ۹۵ تعداد شاغلان در چهار هزار و ۹۱۳ معدن در حال بهره برداری را بالغ بر ۹۳ هزار و ۴۸۶ نفر اعلام کرد که بالاترین جمعیت شاغل در دوره ۹۵-۱۳۸۸ محسوب می‌شود. بخشی از این جمعیت در معادن زغال سنگ، سنگ آهن و سنگ‌های تزئینی و صنایع معدنی وابسته به این بخش‌ها فعالیت می‌کنند که بیشترین بحران‌های کارگری را در سالهای اخیر تجربه کرده‌اند. طبق آخرین گزارش‌های رسمی

معادن سنگ تزئینی و زغال سنگ، حادثه‌سازترین معادن کشور هستند. در طول دهه‌های مختلف کشته‌شدگان معادن آمار قابل توجهی را به‌خود اختصاص می‌دهند، اما شاید بتوان گفت مهم‌ترین و بزرگ‌ترین فاجعه‌های معدنی در ایران مربوط به دهه ۹۰ و سال ۹۶ با مجموع ۷۸ کشته در بخش معدن است که انفجار معدن زمستان یورت آزادشهر استان گلستان در تاریخ ۱۵ آبان ۹۶ فاجعه‌بارترین آنها بود و موجب کشته شدن کارگر شد. بنابر گزارشی که چندی قبل روزنامه همشهری منتشر کرد؛ در دهه ۹۰ بیش از ۳ هزار حادثه در معادن کشور رخ داده که موجب آسیب‌دیدگی حدود ۱۳ هزار کارگر و کشته شدن بیش از ۴۳۰ معدنچی شده است.

مهمترین اعتراضات کارگران معادن زغال سنگ

گروه معترضان: کارگران شاغل در معادن زغال سنگ در استانهای کرمان، خراسان جنوبی، یزد و در شهرهای زرنند، راور، کوهبنان، کرمان، بافق، طبس، سرخس و...
گسترده‌گی اعتراضات: کارگران در معادن مختلف کرمان از جمله شرکت معدنچو در زرنند، معدن چشمه پودنه، معدن همکار، در خراسان جنوبی معدن نگین طبس، در خراسان رضوی آق دربند سرخس و در یزد چادرملو، سنگ آهن بافق و کوشک بافق اعتراضات گسترده‌ای برگزار کردند. این اعتراضات در فاصله سالهای ۹۳ تا ۹۹ در مقاطع مختلفی تجمع اعتراضی صنفی برپا کردند. آخرین مورد این اعتراضات به اعتراض کارگران معادن زغال سنگ کرمان در بهار ۹۹ برمی‌گردد.
علت اعتراضات: عدم افزایش دستمزد، تعویق در پرداخت مطالبات (بیمه، مزایا، سختی کار)، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، عدم رعایت بهداشت و ایمنی کار و جان باختن تعداد زیادی از کارگران در حین کار
مطالبات: لغو پیمان‌سپاری‌ها، افزایش دستمزد، اجرای طرح طبقه‌بندی، بالابردن سطح ایمنی معادن

روشهای اعتراض: اعتصاب، تجمع و تحصن در برابر ادارات دولتی
وضعیت پیگیری مطالبات: با وجود اعتراضهای مکرر کارگران در سطوح مختلف شغلی، همچنان بسیاری از کارگران معادن زغال سنگ با ناامنی شغلی، تعویق در پرداخت مطالبات و حوادث کار مواجه هستند. پاسخ به مطالبات آنها عموماً مقطعی بوده و

تاکنون منجر به تغییری در میزان برون‌سپاری‌ها، قراردادهای کار و ایجاد امنیت شغلی نشده است.

شرکت زغال سنگ کرمان که از شرکتهای زیر مجموعه صندوق بازنشستگی فولاد است، چند سالی است که با برون سپاری کار معادن به پیمانکاران، آنان را در معرض تهدید امنیت شغلی قرار داده است. در سالهای گذشته بارها کارگران معادن مختلف کرمان، در اعتراض به دستمزدهای پایین، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، سختی و شرایط نامناسب کار اعتراضاتی برگزار کرده بودند. چندی قبل اما، دامنه این اعتراضات گسترده تر شد. ماجرای بورسی شدن زغال سنگ کرمان به واسطه ورود شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی فولاد، دالاهو، صدای اعتراض کارگران را بلندتر کرد. کارگران معتقد بودند، با این کار شرکت دالاهو با اختیارات بیشتر می‌تواند در مورد لغو یا تمدید قراردادهای کارگران تصمیم بگیرد و تعداد زیادی از کارگران در معرض اخراج قرار می‌گیرند. تجربه کار با پیمانکاران در برخی از معادن این شرکت شرایط استثمارگونه‌ای را برای کارگران ایجاد کرده است که علاوه بر نداشتن امنیت شغلی به لحاظ ایمنی نیز در شرایط نامناسبی قرار دارند. هر سال تعدادی از کارگران این معادن دچار آسیب‌های بدنی و ضایعات نخاعی می‌شوند.

مجموع این اتفاقات باعث شد که معادن زغال سنگ تبدیل به یکی از کانونهای اصلی اعتراضات کارگری در ایران شوند. در خبرسازترین اعتراضات سالهای اخیر، کارگران شرکتهایی چون معدنچو، چشمه پودنه، همکار، کوهبنان و شماری دیگر از معادن این استان در دوره‌های زمانی مختلفی اقدام به برگزاری تجمعات صنفی کردند. در فاصله سالهای ۹۳ تا ۹۴ شدت اعتراضات بیشتر، اما دامنه آنها محدود به چند مجموعه خاص می‌شد. سرانجام افزایش تعداد حوادث کار در معادن، ناامنی شغلی و معیشتی در پی خصوصی‌سازی معادن و در نهایت بحران‌های اقتصادی ناشی از شیوع کووید ۱۹، منجر به شکل‌گیری بزرگترین اعتراض کارگری در معادن زغال سنگ در سال ۹۹ شد.

در آخرین مورد، اول اردیبهشت ۹۹ بود که کارگران معادن زغال سنگ کرمان به واگذاری شرکت به بخش خصوصی معترض شدند و دست از کار کشیدند و در ۴ شهر کرمان، کوهبنان، راور و زرنند تجمع کردند. گروهی از آنها به اتفاق خانواده‌هایشان، شبها

را در چادر سپری می‌کردند تا ۲۴ ساعته در تحسن حاضر باشند.

سه هزار کارگر این استان به‌خصوصی‌سازی معترض بودند، چراکه نگران از دست رفتن امنیت شغلی‌شان شدند. آنها چند خواسته مشخص داشتند؛ اول تضمین امنیت شغلی با تبدیل قراردادهای دوم افزایش حقوق‌ها براساس ضریب شغلی که با توافق کارگران تعیین می‌شود، سوم عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و چهارم هم جلوگیری از فروش سهام شرکت در بورس. . بعلاوه اعتراض کارگران زغال سنگ کرمان به پرداخت نکردن دوبرابری حق بیمه در مشاغل سخت و زیان‌آور و بازنشستگی پس از ۲۰ سال کار بجای ۱۵ سال است. مطالباتی که در کنار تضمین ایمنی و بهداشت کار، خواسته کارگران بسیاری از معادن زغال سنگ کشور است.

اعتراضات معادن سنگ آهن

اعتراضات کارگران معدن چادرملو یزد

(بیمانکاری آسفالت طوس، بیمانکاری بهاوند باراد)

گروه معترضان: کارگران بیمانی

گسترده‌گی اعتراضات: کارگران در فاصله سالهای ۹۳ و ۹۴ تجمعات اعتراضی و صنفی گسترده ای برپا کردند و سپس در سال ۹۸ مجددا در پی عدم وصول برخی مطالبات به صحنه اعتراضات بازگشتند.

علت اعتراض: عمده‌ترین خواسته‌های کارگران معدن چادرملو در سالهای اخیر، «اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و لغو حکم اخراج دبیر انجمن صنفی کارگران چادرملو» بوده است.

روش‌های اعتراض: اعتصاب و توقف تولید، تجمع در محل کارخانه، نامه به نمایندگان مجلس

وضعیت پیگیری مطالبات: کارگران چادرملو در فاصله سالهای ۹۳ تا ۹۴ بیشترین اعتراضات کاری را برگزار کردند و بعد از آن با تحقق برخی مطالبات از جمله اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، افزایش دستمزدها و ابقای انجمن صنفی کارگری خود، چندان

خبرساز نبودند تا اینکه مجدداً در زمستان ۹۸، تازه‌ترین دور اعتصاب و تجمع صنفی خود را در اعتراض به تعویق در پرداختها و عدم اجرای کامل طرح طبقه‌بندی و همچنین زرمه‌هایی مبنی بر تعطیلی معدن و روبه اتمام بودن ذخایر آن برپا کردند.

معدن سنگ‌آهن چادرملو، بزرگترین تولیدکننده کنسانتره سنگ‌آهن در ایران است و در ۱۸۰ کیلومتری شهر یزد قرار دارد. حدود پنج هزار کارگر در معدن چادرملو به طور مستقیم کار می‌کنند که در بخش‌های سایت صنعتی، سنگ‌شکن، خط کوه، بخش‌های آزمایشگاهی و کارگاهی فعالیت می‌کنند و معیشت ۱۲ هزار نفر به این معدن وابسته است. دستمزد نامناسب با شرایط کار و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل باعث شد که کارگران معدن چادرملو (پیمانکاری آسفالت طوس) یکی از بزرگترین اعتراضات کارگری را در سالهای ۹۲ و ۹۳ شکل دهند. تجمعاتی که با حضور بیش از ۲۰۰۰ کارگر در اعتراض به دستمزد ناعادلانه و اخراج بهرام حسنی نژاد دبیر انجمن صنفی کارگری این شرکت پیمانکاری آغاز شد، به اعتصاب کارگری گسترده‌ای علیه عواقب «برون سپاری کار» به شرکتهای پیمانکاری کشیده شد.

با شکایت مدیرعامل مجتمع چادرملو دست کم ۳۰ نفر از کارگران مورد محاکمه قضایی قرار گرفتند. یک سال بعد، دبیر انجمن صنفی کارگری این مجتمع از تمامی ۷ اتهام وارد شده تبرئه شد و قرار منع تعقیب در خصوص او صادر شد. تجربه کارگران چادرملو در سازماندهی اعتراض بزرگ صنفی که الویت آن استقلال تنها نهاد صنفی کارگری این مجتمع و اجرایی شدن طرح طبقه‌بندی مشاغل بود، تجربه‌ای موفق در روند مبارزات صنفی کارگری است. بیش از ۶۰۰ تن از کارگران این مجتمع، یک سال بعد از این اعتراض صنفی پای توماری را امضاء کردند که طی آن خواستار بازگشت به کار بهرام حسنی نژاد دبیر انجمن صنفی چادرملو شده بودند. آنها سرانجام توانستند طرح طبقه‌بندی مشاغل (ماده ۴۸ قانون کار) را در این مجتمع اجرایی کنند و امروز این کارگران نسبت به دیگر معادن دستمزد به نسبت بالاتری دارند. هرچند که بنابر گزارشهای منتشر شده شرکتهای پیمانکاری که اخیراً به این شرکت معدنی وارد شده‌اند، باز هم از اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل سر باز می‌زنند. سال گذشته (۹۸)، اعتصاب سه روزه ۳۰۰ نفر از کارگران معدن چادرملو و دادن مهلت یکماهه آنها به کارفرما خبرساز شد تا نشان دهد چادرملو هنوز کانون بحران کارگری است. کارگران اعلام کردند که خاتمه موقت

اعتراضات معدن منوط به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بر اساس الزامات و بایدهای قانونی و نیز افزایش مزایای مزدی، همسانی مزایای مزدی با دیگر کارگران رسمی است. با حضور کارفرما در جمع کارگران معترض و وعده شفاهی به کارگران مبنی بر پیگیری مطالبات، کارگران به کار بازگشتند. قرار شد با حضور نماینده کارگران کمیته ای تشکیل شود که اشکالات طرح طبقه بندی مطرح و رفع شود.

اعتراضات کارگری در معدن سنگ آهن بافق

گروه معترضان: کارگران دارای قرارداد موقت و پیمانی
گسترده‌گی اعتراضات: اعتراضات در بهار و تابستان ۹۳ در محل کارخانه و معدن سنگ آهن بافق در جریان بود
علت اعتراض: عمده‌ترین خواسته‌های کارگران معدن سنگ آهن بافق، لغو خصوصی‌سازی، واگذاری سهام معدن به مردم بافق، اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور

روش‌های اعتراض: اعتصاب و توقف تولید، تجمع در محل معدن و ادارات دولتی
وضعیت پیگیری مطالبات: کارگران سنگ آهن بافق، بزرگترین اعتراض کارگری خود را در سال ۹۳ سامان دادند و طی آن خواستار ایجاد امنیت شغلی برای کارگران و لغو خصوصی‌سازی این معدن شدند.

عنوان اولین اعتراض صنفی طولانی پس از انقلاب را می‌توان به اعتراضات صنفی کارگران سنگ آهن بافق نسبت داد. اعتراضی که پای وزیر کار را هم به بافق باز کرد. حدود ۵ هزار کارگر معدن سنگ آهن بافق که نیمی از آنها قرارداد مستقیم و مابقی به صورت پیمانی در این معدن مشغول به کار بودند، در بهار و تابستان ۹۳ در اعتراض به خصوصی‌سازی معدن اعتصاب و تحصن کردند.

گرچه پیشینه اعتراضات کارگری در معدن سنگ آهن بافق به سال ۷۹ و در اعتراض به خصوصی‌سازی آن برمی‌گردد اما در سال ۹۳، ۷۱ و نیم درصد سهام شرکت سنگ آهن مرکزی ایران به صندوق بازنشستگی فولاد واگذار شد و پس از آن واگذاری باقی سهام این شرکت به شرکت فولاد خوزستان نیز در دستور کار قرار گرفت. در پی این واگذاری ها بود که کارگران در روزهای ۱۹ و ۲۰ اردیبهشت سال ۹۳ دست به اعتصاب زدند و

این اعتصاب مقدمه اعتصاب ۴۰ روزه پنج هزار کارگر معدن از ۲۷ اردیبهشت تا سوم تیر بود. کارگران خواستار توقف خصوصی سازی در این معدن بودند.

این اعتصاب با بازداشت و پرونده سازی برای تعدادی از کارگران همراه شد، پای وزیر وقت کار را به بافق باز کرد و در نهایت با لغو موقت خصوصی سازی معدن و وعده دولت مبنی بر تحقق مطالبات کارگران در تاریخ ۴ تیر پایان یافت و کارگران دو ماه به دولت مهلت دادند تا برای تعیین سرنوشت نهایی سهام این معدن فکری کند.

اما کمتر از یک ماه بعد، دور جدید اعتراضات آغاز شد. این بار کارگران معدن سنگ آهن بافق در اعتراض به صدور حکم بازداشت ۱۸ نفر از همکارانشان اعتصاب را آغاز کردند. ابتدا پلیس ۲ کارگر معدن سنگ آهن بافق را در پی شکایت کارفرما بازداشت کرد اما تلاشش برای بازداشت ۱۶ کارگر دیگر به نتیجه نرسید و ۱۶ کارگر دیگر پس از همراهی سایر کارگران برای توقف تولید به معدن پناه آوردند. اینلنا در همان زمان گزارش داد که در مذاکرات میان پلیس و نماینده کارگران، پایان اعتراض صنفی کارگران به لغو حکم بازداشت هر ۱۸ کارگر منوط شد و جانشین فرمانده نیروی انتظامی یزد تلویحا با خواسته کارگران موافقت کرد اما بر خلاف وعده داده شده، ماموران یگان ویژه ۵ کارگر از همان لیست ۱۸ نفره را بازداشت کردند.

پس از بازداشت این کارگران، خانواده‌های آنان در مقابل دفتر کارفرما تحصن کردند و اعلام کردند تا آزاد نشدن آنها به تحصن خود ادامه می‌دهند. این تحصن با قول مدیرعامل سنگ آهن بافق مبنی بر پس گرفتن شکایت، سرانجام به مقابل فرمانداری بافق کشیده شد. سرانجام بعد از حدود دو هفته تحصن و اعتراض کارگران و خانواده‌های آنان، کارگران بازداشتی آزاد شدند اما نه تنها سرنوشت نهایی سهام سنگ آهن بافق مشخص نشد، بلکه با شکایت دولت از ۹ کارگر فعال در اعتراضات برای آنان پرونده‌های قضایی تشکیل شد و آنها چندبار به دادگاه احضار شدند.

اعتراضات کارگران فصلی معدن طلای آق‌دره تکاب

گروه معترضان: کارگران فصلی معدن طلای آق‌دره
گسترده‌گی اعتراضات: اعتراضات کارگران فصلی در دو مقطع سال ۹۳ و سال ۹۶ جریان داشت
علت اعتراض: عمده‌ترین خواسته‌های کارگران معدن طلای آق‌دره بیکارسازی و فعالیت غیربومی‌ها در معدن
مطالبات: اشتغال، فعالیت بومی‌ها در معدن، رعایت ایمنی و بهداشت کار در معدن و روستای آق‌دره
روش‌های اعتراض: تجمع در محل معدن

معدن طلای «آق‌دره» تکاب در آذربایجان غربی با تولید سالانه بیش از دو میلیون تن سنگ طلا، دومین معدن طلای کشور به شمار می‌رود. «آق‌دره» نام روستایی است که نامش با شلاق خوردن ۱۷ کارگر معترض معدن طلا روی زبان‌ها افتاد. منطقه‌ای محروم و کردنشین دارای حدود ۱۸۰ خانوار که از طریق کار در معادن طلای منطقه یا اشتغال به کارهایی همچون کشاورزی، دامداری و قالبیافی امرار معاش می‌کنند. کردهای مهاجر از ابتدا در این روستای نزدیک شهرستان تکاب آذربایجان غربی ساکن شده‌اند.

اعتراضات ۳۵۰ نفر از کارگران فصلی معدن طلای آق‌دره در آذربایجان غربی در سال ۹۳، در واکنش به بیکاری و فعالیت غیربومی‌ها در معدن، منجر به پرونده سازی برای کارگران معترض شد و ۱۷ نفر از آنها به اتهام «ممانعت و بازداشتن مردم از انجام کسب و کار با ایجاد هیاهو و جنجال»، «توهین به نگهبان شرکت»، «تخریب لباس و توقیف غیر قانونی نگهبان» و «تخریب عمدی تابلوی شرکت «با شکایت کارفرما و مدعی العموم محکوم شده و شلاق خوردند. ماجرا از این قرار بود که اوائل دی سال ۹۳ شرکت پیمانکاری «پویا زرکان»، ۳۵۰ کارگر فصلی این معدن را که ۱۰ سال سابقه کار داشتند، اخراج کرد. کارگران خواستار مذاکره و بازگشت به کار شدند اما مدیریت نپذیرفت. روز ۶ دی کارگران در محوطه معدن تحصن کردند. در شامگاه تحصن، سه تن از کارگران تحت فشار روحی اقدام به خودکشی کردند، اما نجات یافتند. دستگاه قضایی با شکایت کارفرما علیه ۱۷ کارگر معدن اعلام جرم کرد. در یکی از پرونده‌ها هشت کارگر

به ایجاد هیاهو و جنجال، توهین به نگهبان و ضرب و شتم او، ممانعت از کسب و کار و تخریب عمدی متهم شدند. متهمان ردیف اول تا پنجم به ۱۰۰ ضربه شلاق و ۳۷ ماه حبس تعزیری و متهمان ردیف ششم تا هشتم به ۵۰ ضربه شلاق و ۳۷ ماه حبس تعزیری محکوم شدند. ۹ کارگر نیز در پرونده دوم به ممانعت از کسب و کار و ایجاد هیاهو متهم و به ۳۰ ضربه شلاق و حبس و ۵۰۰ هزار تومان جریمه نقدی محکوم شدند. اما با گذشت شاکی خصوصی حکم حبس آن‌ها به اجرا در نیامد و به قید وثیقه آزاد شدند. خرداد ۹۵ حکم شلاق ۸ کارگر معدن و یکی از اهالی روستا اجرا شد و خبر آن واکنش‌های گسترده‌ای را برانگیخت.

اعتراضات در منطقه آق‌دره، سه سال بعد از این اتفاق مجدداً آغاز شد. اهالی و کارگران فصلی آق‌دره اولیاء، وسطی و سفلی در اعتراض به بیکارسازی کارگران و افزایش تعداد غیربومی‌ها در شرکت، این بار به همراه خانواده‌هایشان دست به اعتراض زدند و در مقابل درب این شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمع با برخورد نیروی انتظامی به خشونت کشیده شد و باز هم به پرونده سازی علیه معترضین انجامید. با حکم دادگاه، ۷ کارگر معترض به ۲۱ ماه حبس تعزیری و ۵ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شدند. آخرین بار هم پس از شیوع کرونا، کارگران معدن آق‌دره اعتراض خود را به عدم تغییر شیفیت‌ها و ساعات کاری، عدم تخصیص محلولهای ضدعفونی‌کننده برای مصارف حفاظت فردی، حضور شش روز در هفته در محل کار با وجود کرونا، ارتباط زیاد کارگران با یکدیگر و نگرانی از خطر شیوع کرونا رسانه‌ای کردند.

گفتنی است آذربایجان غربی، بزرگترین معدن طلای خاورمیانه به نام «زرشوران» را در اختیار دارد که در شهر تکاب و در نزدیکی معدن طلای آق‌دره قرار دارد. حجم بالای تخریب محیط زیست، نابودی تقریبی زمینهای کشاورزی و دامداری در منطقه در نتیجه فعالیت این معادن باعث شده، اهالی و کارگران چاره‌ای جز تلاش برای به دست آوردن موقعیت شغلی در معادن این شهر نداشته باشند.

اعتراضات کارگران معادن ذغال سنگ البرز شرقی در شاهرود

گروه معترضان: عمدتاً کارگران بیمانی

گسترده‌گی اعتراضات: اعتراضات کارگران از سال ۹۳ و پس از واگذاری به بخش خصوصی شدت گرفت. در فاصله سالهای ۹۳ تا ۹۸ در این معادن حداقل ۱۵ تجمع اعتراضی برپا شده است.

علت اعتراض: تعویق در پرداخت مطالبات حقوق و مزایا و عیدی، سوءمدیریت و عدم نظارت بر ایمنی و بهداشت کار.

مطالبات: پرداخت به موقع حقوق و مزایا، پاداش بازنشستگی، بیمه و سختی‌کار، افزایش خدمات رفاهی در معادن و رعایت بهداشت و ایمنی کار

روش‌های اعتراض: تجمع در محل شرکت و ادارات دولتی

شرکت معدنی زغال سنگ البرز شرقی، فعالیت اکتشافی خود را از سال ۱۳۴۹ آغاز و از سال ۱۳۵۱ به موازات ادامه فعالیت اکتشافی به‌طور رسمی شروع به بهره‌برداری کرد. حوزه فعالیت شرکت معادن ذغال‌سنگ البرز شرقی در شرق سلسله جبال البرز (از شمال شهرستان دامغان در استان سمنان تا جنوب شهرستان مینودشت واقع در استان گلستان) به طول ۲۲۰ کیلومتر گسترش دارد و در مجموع حدود ۵۵ معدن در استان سمنان را تحت پوشش خود قرار داده است. در حال حاضر بیش از نیمی از فعالیت این شرکت در اختیار پیمانکاران است.

حدود هزار و ۳۰۰ کارگر در معادن ذغال سنگ شرکت البرز شرقی مشغول به‌کار هستند که از زمان واگذاری زمین‌ها این مجتمع با مشکلاتی مواجه شده و بارها دست به اعتراض زده اند. بنابر گزارش‌های منتشر شده، مشکلات ریشه‌ای کارگران معادن طزره شهرستان دامغان زمانی شروع شد که در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست خصوصی‌سازی، ۹۵ درصد از سهام معادن این شرکت در سال ۹۳ به ذوب آهن اصفهان واگذار و پنج درصد باقی مانده نیز طبق قانون، بجای سهام عدالت بصورت سهام ترجیحی به کارگران و کارکنان شرکت تعلق گرفت. در مرحله بعد از این

واگذاری، زمین شرکت نیز به مزایده گذاشته شد که در نهایت شهرداری شاهرود برنده آن شد که اعتراضاتی را از سوی کارگران در پی داشت.

کارگران معادن ذغال سنگ البرز شرقی که فعالیت آنان جزء سخت و زیان‌آورترین مشاغل محسوب می‌شود در طول سالهای اخیر بارها برای رفع مشکلات خود مجبور به تجمع در مراکز دولتی شهرستان‌های شاهرود و دامغان شده‌اند ولی باوجود دیدار نمایندگان آنها با مسئولان شرکتی، فرمانداران، نمایندگان مجلس و حتی وزیر صنعت و معدن گره‌ای از مشکلات آنان باز نشده است.

اعتراضات کارگری در معدن مس سرچشمه

گروه معترضان: کارگران قراردادی، بیمانی و شرکتی
گسترده‌گی اعتراضات: اعتراضات کارگران از سال ۹۳ و پس از برون‌سپاری فعالیتها به پیمانکاران شدت گرفت و در طول سالهای گذشته ادامه داشته است.
علت اعتراض: تبعیض شغلی و تضییع حقوق کارگران بیمانی و قراردادی
مطالبات: استخدام رسمی، لغو قراردادهای موقت، لغو برون‌سپاری‌ها
روش‌های اعتراض: تجمع در محل شرکت، ادارات دولتی استان، وزارت صنعت و مجلس شورای اسلامی
موضوع مهم اعتراض این کارگران قراردادی، بیمانی و شرکتی مس سرچشمه تبعیض‌های شغلی میان آنها و دیگر کارگران قرارداد مستقیم این معدن است. کارگران در برابر کار برابر دستمزد برابر می‌خواهند و به سطح نازل دستمزدها و تهدید دائمی به اخراج اعتراض دارند.

خواست مهم آنها استخدام رسمی در معدن است. قراردادهای کار میان کارگران و کارفرمایان عمدتاً یک ماهه یا چند ماهه است و عموماً نیز از طریق شرکت‌های پیمانکاری صورت گرفته است. طی این مدت علیرغم اعتراضات پرشمار کارگران برای حذف نقش پیمانکاران و بستن قرارداد مستقیم با خود کارخانه مس سرچشمه، نه فقط این خواست و قطعی کردن امر استخدام کارگران محقق نشده، بلکه تعداد

قراردادهای منعقد شده با شرکت های پیمانی نیز طی این سال ها افزایش یافته است و در عوض از شمار کارگرانی استخدامی شرکت مس کاسته شده است.

این کارگران از سال ۹۳ به این سو، بارها در اعتراض به این وضعیت در کرمان تجمع اعتراضی برپا کرده اند و گاهی هم اعتراض خود را به تهران و مقابل وزارت صنعت و مجلس شورای اسلامی آورده اند.

اعتراضات کارگران معدن سنگرود (رودبار)

گروه معترضان: کارگران قراردادی، پیمانی و شرکتی
گسترده‌گی اعتراضات: اعتراضات کارگران در سال ۹۳ و پس از جدی شدن موضوع انحلال معدن شدت گرفت

علت اعتراض: زمزمه انحلال معدن و بلاتکلیفی کارگران
مطالبات: تعیین تکلیف وضعیت کارگران و استمرار فعالیت معدن، پرداخت مطالبات معوقه

روش‌های اعتراض: تجمع در محل معدن، ادارات دولتی استان، سازمان توسعه معادن و مجلس شورای اسلامی

وضعیت پیگیری مطالبات: کارگران بارها در سال ۹۳ برای تعیین تکلیف وضعیت خود و استمرار فعالیت معدن از رودبار در گیلان به پایتخت آمدند. اما در نهایت معدن سنگرود تعطیل شد.

زمستان ۹۲ بود که موضوع غیر اقتصادی بودن معدن زغال سنگ البرز غربی و اتمام ذخایر آن از سوی سازمان توسعه و ونوسازی معادن و صنایع معدنی ایران مطرح شد. البته مسئله تعطیلی این معدن ابتدا در سال ۸۵ مطرح شده بود که پس از مسافرت کارگران به تهران و برپایی تجمعاتی، این اقدام از برنامه دولت احمدی‌نژاد کنار گذاشته شد.

کارگران چه در سال ۸۵ و چه بعدتر در سال ۹۲، مساله اتمام ذخایر را شایعه‌ای بیش ندانستند. آنها ادعا می‌کردند که این معدن همچنان سرشار از ذخیره معدنی زغال سنگ است و این تنها حقه‌ای از سوی دولت برای واگذاری معدن به بخش خصوصی است. از

طرفی آنها اعلام می‌کردند در صورت تعطیلی معدن زغال سنگ، بالغ بر ۴۲۵ کارگر بیکار خواهند شد که بسیاری از آنها در شرف بازنشستگی قرار دارند و در صورت تعطیلی معدن با بیکاری قرار می‌گیرند.

گزارشها نشان می‌داد؛ بالغ بر ۵۰ درصد این افراد که در آستانه بیکاری قرار می‌گیرند همان مردمی هستند که دو دهه قبل از آن در اثر وقوع زلزله رودبار خانه و زندگی خود را از دست داده‌اند و از این بابت هم هنوز بلا تکلیف بودند. معدن زغال سنگ البرز غربی تنها منبع در آمدی اهالی بیش از ۵۰ روستا در دو منطقه «فاراب» و «خورگام» بود که در صورت متوقف شدن تولید آن، علاوه بر خانواده‌های کارگری سایر اهالی منطقه نیز شرایط بد اقتصادی را متحمل می‌شدند.

با توافق بین نمایندگان کارگران و مدیرعامل و نیز رایزنی مقامات استانی و برخی نمایندگان خبر رسید که موضوع انحلال معدن که وزارت صنعت سخت در پی آن بود با مصوبه شورای تامین استان گیلان تا سال ۹۵ متوقف شده است. اما چند ماه بعد کارگران در اعتراض به تعویق در پرداخت مطالبات حقوقی و قطعی نشدن موضوع انحلال معدن تجمع صنفی برپا کردند. کارگران معترض اعلام کردند؛ دولت باید تکلیف نهایی کارگران البرز غربی را که دارای سوابق بالایی هستند پیش از انحلال مشخص کند. دور تازه اعتراضات معدن سنگرود در فاصله شهریور تا مهر ۹۳ ابتدا در محل معدن و سپس به تهران کشیده شد. ۲۸۰ کارگری معدن سنگرود در تهران ابتدا در مقابل وزارت کار تجمع کردند و سپس تجمع اعتراضی خود را به مقابل ساختمان سازمان توسعه و نوسازی معادن بردند. در آخرین اقدام در همین بازه زمانی کارگران صدای اعتراض خود را در بهارستان به گوش نمایندگان مجلس رساندند. آنها سرانجام با به گفته خودشان «دریافت قول مساعد از وزیر صنعت برای بررسی این موضوع در جلسه هیئت دولت» به رودبار برگشتند.

روند پیگیری مطالبات کارگران ادامه داشت تا اینکه، حکم توقف استخراج معدن توسط سازمان توسعه معادن در صادر شد. سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران در جلسه‌ای، ضمن بررسی وضعیت بازنشستگی کارگران معدن زغال سنگ

سنگرود اعلام کرد؛ موضوع انحلال معدن سنگرود همچنان به قوت خود باقی است و مواضع سازمان خصوصی سازی، سازمان تهیه و تولید مواد معدنی و ایمیدرو همچنان همان است که بود. به دنبال این تصمیم‌ها، در دی ماه ۹۳، بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران بخش‌های مختلف معدن زغال سنگ سنگرود در یکی از تونل‌های این معدن دست به تحصن زدند. کارگران می‌گفتند به دلیل عملی نشدن وعده‌های داده شده می‌خواهند خود را در معدن حبس کنند. معوقات حقوقی چندماهه و عدم اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور از یک سو و بیکاری و آوارگی کارگران از سوی دیگر آنها را آشفته کرده بود.

مقاومت های کارگران به نتیجه نرسید. معدن سنگرود منحل شد و پس از ماه‌ها اعتراض از مجموع ۱۳۲ کارگری که قرار بود با تصمیم سازمان توسعه و نوسازی معادن پس از انحلال برای پر کردن سابقه بازنشستگی خود به سایر معادن زیر مجموعه شرکت تهیه و تولید انتقال پیدا کنند، ۳۲ نفر از کارگران معدن سنگرود به معدن «گلرود» واقع در استان مازندران منتقل شدند و ۵۱ نفر دیگر، به یک کارگاه تولید زغال سنگ در ۳۵ کیلومتری معدن زغال سنگ پرورده طبس منتقل شدند. در سال ۹۳ و بعد از تعطیلی معدن سنگرود که قطب صنعتی شهرستان رودبار در گیلان بود، موج مهاجرت خانوارهای کارگری شاغل در این معدن از استان به سایر استانهای معدنی آغاز شد و برخی هم بیکار ماندند.

استان	معترضان	علت اعتراض	تاریخ اعتراض
یزد	کارگران سنگ آهن بافق	اعتراض علیه خصوصی‌سازی و درخواست امنیت شغلی	اردیبهشت تا تیرماه، ۹۳
گیلان	کارگران معدن البرز غربی(سنگرود)	انحلال معدن، بیکاری و بلا تکلیفی کارگران	تابستان و پاییز، ۹۳
یزد	۱۵۰ نفر از کارگران معدن کوشک بافق	تعویق سه ماهه در پرداخت مطالبات، کم بودن دستمزدها، عدم پرداخت سختی کار، عدم پرداخت مزایای جانبی در طول سالهای متمادی، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، عدم وجود امنیت شغلی	آذرماه، ۹۳
یزد	کارگران پیمانکاری آسفالت طوس معدن چادرملو	عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، عدم افزایش دستمزدها، شایعه اتمام ذخایر معدن	آذرماه، ۹۳
یزد	کارگر اخراجی معدن سنگ آهن آنومالی شمالی	بیکار سازی در پی اتمام پروژه استخراج سنگ آهن	بهمن ماه، ۹۳

یزد	دو هزار کارگر معدن چادرملو	طبقه بندی مشاغل، بازگشت به کار دبیر انجمن صنفی	دی و بهمن ماه، ۹۳
کرمان	500 نفر از معدنچیان اخراجی دو معدن ۲ و ۴ گل گهر سیرجان	پرداخت نشدن حقوق، بیکاری و بلا تکلیفی	مرداد ماه، ۹۴
مهر 94	کارگر بیمانی واحد معدنی زمستان یورت	پرداخت نشدن مطالبات مزدی	مهر ماه، ۹۴
سمنان	کارگران شاغل در معادن ذغال سنگ منطقه طزره دامغان	اعتراض به ماهها عدم پرداخت حقوق	بهمن ماه، ۹۴
زنجان	کارگران اخراج شده معدن سرب و روی انگوران	اعتراض به معضل بیکاری و بکارگیری نیروهای غیر بومی در این معدن	فروردین ماه، ۹۶
مازندران	کارگران معدن شرکت سامان	دستمزد معوقه و تعطیلی معدن توسط پیمانکاران	خرداد ماه، ۹۶
کرمان	کارگران معدن شماره 2 گل گهر	تعویق در پرداخت مطالبات	تیر ماه، ۹۶

کرمان	کارگران معدن مس چاه فیروزه	اعتراض به اخراج کارگران معدن و نیز نداشتن وسایل ایمنی در کار	تیر ماه، ۹۶
کرمان	کارگران معدن امین یار شهرستان فاریاب	تعویق در پرداخت مطالبات، نداشتن قرارداد	مرداد ماه، ۹۶
کرمان	کارگران مجتمع مس چهارگنبد سیرجان	فقر مالی، دستمزدهای پایین و پرداخت هر دو سه ماه یکبار مطالبات، کارگران دست به شیوه اعتراضی جدیدی زدند. آنها در مسیر کارخانه آگهی فروش کلیه خود را نصب کردند	شهریور ماه، ۹۶
کرمان	کارگران معدن شماره ۳ سیرجان	بلا تکلیفی شغلی در پی اتمام قرارداد پیمانکار	مهرماه، ۹۶
سمنان	کارگران معدن طرزه (البرز شرقی)	عدم دریافت به موقع دستمزد و مطالبات بیمه‌ای	دی ماه، ۹۶
کرمان	کارگران معدن کرومیت اسفندقه کرمان	مشخص نبودن وضعیت سهام خود	اردیبهشت ماه، ۹۷
کرمان	کارگران معدن مس دره زار رفسنجان	پایین بودن دستمزد، تأخیر در پرداختها و نداشتن امنیت شغلی	خرداد ماه، ۹۷

کرمان	دو هزار کارگر شرکتهای ذغال سنگ سه معدن «همکار»، «حشونی» و «پابدانا»	تعویق مطالبات، عدم برخورداری از بیمه درمانی مناسب و عدم امنیت شغلی	خرداد ماه، ۹۷
کرمان	کارگران پیمانکاری معادن شهربابک (پیمانکاری مبین و اولنگ در معادن مس مجتمع میدوک)	انتقاد به شرایط نابرابر مزدی و تعویق در پرداخت مطالبات	آبان ماه، ۹۷
خراسان رضوی	کارگران معدن زغال سنگ «آق دربند» سرخس	۱۰ ماه معوقات مزدی و بیمه‌ای	شهریور ماه، ۹۸
یزد	کارگران شرکت به‌لوند باراد معدن چادرملو	تعطیلی معدن چادرملو و بیکاری کارگران	دی و بهمن ماه، ۹۸
کرمان	کارگران معادن کوهبنان، راور، زرنند و کرمان	«زمزمه‌های مبنی بر واگذاری سهام شرکت به یک شرکت به نام دالاهو»، «عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل»، «نداشتن امنیت شغلی» و «پایین بودن دستمزدها»	اردیبهشت ماه، ۹۹
کرمان	کارگران معدن کرومیت امین‌یار شهرستان فاریاب	کارگران در دور جدید اعتراضات‌شان نسبت به پرداخت نکردن حقوق عقب‌افتاده و حق بیمه‌های خود، بار دیگر مقابل فرمانداری این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند.	خرداد ماه، ۹۹

کرمان	کارگران شرکت کاوشگران در معدن ۵ گل گهر	اعتراض به تعطیلی شرکت، بیکار شدن و مشکلات شغلی	تیر ماه، ۹۹
مازندران	کارگران معدن زغال سنگ سوادکوه	سطح نازل حقوق، عدم اجرای دقیق طرح طبقه بندی مشاغل و شرایط نامناسب ایمنی وبهداشتی کار	شهریور ماه، ۹۹

پی نوشت: تجمعات کارگری ثبت شده در این گزارش، در نتیجه جستجو در سایتهای داخلی و رسمی ایرانی به دست آمده و امکان اینکه شدت و کثرت تجمعات برگزار شده بیشتر یا کمتر بوده باشد، وجود دارد. اما تلاش شده تا آخرین مورد اعتراض در هر واحد معدنی به درستی ثبت شود.